

فصلنامه‌ی مطالعات ملی؛ ۸۸، سال بیست و دوم، شماره‌ی ۴، ۱۴۰۰، زمستان، صص ۶۷-۴۹

لینک نتیجه مشابهت یابی: https://hamyab.sinaweb.net/Ci_result/details/C4C3F2CB262EA7C1/22%

Doi: 10.22034/RJNSQ.2021.281800.1267

Dor: 20.1001.1.1735059.1400.22.88.3.3

ارائه مدل سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران^۱ با رویکرد گراند تئوری

نوع مقاله: پژوهشی

* مهدی قربانپور

E-mail: mosagorbanpor@gmail.com

** علی مرشدی‌زاد

E-mail: alimorshedizad@yahoo.com

*** مصطفی ابطیحی

E-mail: m.abtahi100@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۹/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۴

چکیده

ایران در طول تاریخ، کشور و ملتی با اقوام و مذاهب بوده است. این تنوع به مدیریت و سیاست‌گذاری متناسب در فضای جغرافیایی نیازمند است. بر همین اساس هدف پژوهش حاضر ارائه مدل سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران با رویکرد گراند تئوری است. روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا کیفی از نوع گراند تئوری بود. جامعه پژوهش حاضر شامل خبرگان و صاحب‌نظران حوزه سیاست‌گذاری قومی بودند. نمونه پژوهش با توجه به اشباع نظری داده‌ها در پژوهش کیفی مشخص شد و بر این اساس تعداد مصاحبه‌ها با ۱۵ نفر به اتمام رسید. روش نمونه‌گیری، روش هدفمند بود. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته بود و تجزیه و تحلیل داده‌ها در قالب کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که مدل مناسب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر شش مقوله است: ۱. مقوله‌های علی (فرهنگی، سیاسی - امنیتی)؛ ۲. شرایط مداخله‌گر (مثبت و منفی)؛ ۳. بسترها؛ ۴. محوری؛ ۵. راهبردها (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی) و ۶. پیامدها (اقتصادی - فرهنگی، سیاسی - امنیتی). براساس مقوله‌های شش‌گانه روش داده‌بنیاد در نهایت چهار مؤلفه اصلی هویت ملی، هویت دینی، شهروندمحوری و عدالت‌محوری به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌ها شناسایی شدند. با ترکیب چهار مؤلفه فوق؛ الگوی «تکثرگرایی ایرانی_اسلامی» به‌عنوان الگوی مطلوب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران معرفی شد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری قومی، جمهوری اسلامی ایران، رویکرد گراند تئوری.

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران: ارزیابی تأکیدی و طراحی مدل مطلوب» در سال ۱۴۰۰ از دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات است.
- * دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
- ** دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
- *** استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.



مقدمه

تنوع قومی پدیده‌ای عام و جهان‌شمول است. امروزه بیشتر کشورهای جهان از لحاظ ترکیب گروه‌های زبانی، مذهبی و قومی در وضعیت ناهمگن و متنوعی به سر می‌برند و تنها در ۱۶ کشور جهان اقلیت قابل توجهی وجود ندارد و در این میان فقط ۴ درصد جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که تنها دارای یک گروه قومی هستند (دان، ۲۰۱۲: ۱۵؛ براون، ۱۹۹۳: ۲۱). مطالعه جوامع دارای تنوعات قومی از منظر جامعه‌شناسی سیاسی نشان از قبض و بسط‌ها و تحولات سریع در همه امور دارد. علی‌القاعده از چنین جوامعی نمی‌توان انتظار داشت که همانند جوامع دارای یکپارچگی جمعیتی به ساماندهی امور پردازند (حق‌پناه، ۱۳۹۴: ۷۱). بر جامعه و نظام سیاسی متحول شده ایران پس از انقلاب نیز چنین قاعده کلی حکم فرماست؛ و در همه امور از جمله سیاست‌گذاری قومی جمهوری اسلامی این منوال مشاهده می‌گردد. همین امر بررسی تاریخی سیاست‌گذاری قومی جمهوری اسلامی را ایجاب می‌کند. تجارب گران‌قیمت حاصله طی دو دهه تکرار ناشدنی اول انقلاب می‌توانند در سیاست‌گذاری‌های آتی مفید باشند (حق‌پناه، ۱۳۹۴: ۷۳).

در تاریخ ایران همواره مردمی که از قدرت دور بوده‌اند، به‌ویژه اگر از نظر قومی با دودمان یا گروهی که حاکمیت را در اختیار داشته، متفاوت بودند، به‌صفت ناراضیان می‌پیوستند و این ناراضی‌های قومی مورد بهره‌برداری عوامل خارجی قرار گرفته و به تهدید استقلال و تمامیت ارضی ایران نیز منجر شده است. همچنان که امروزه بیگانگان از برخی مطالبات قومی در راستای اهداف خود و برای تضعیف وحدت ملی مردم ایران سوءاستفاده می‌کنند (احمدی‌پور، حیدری موصول، ۱۳۸۹: ۳۹؛ حیدری، ۱۳۹۱: ۲۲). این تنوع قومی به مدیریت و سیاست‌گذاری بهینه سیاسی در فضای جغرافیایی نیازمند است که بی‌توجهی به نقاط قوت و ضعف سیاست‌های قومی برای بهبود این سیاست‌ها، نبود سیاست‌های انسجام‌بخش و نابرابری در فرصت‌های توسعه‌ای در جامعه چندقومی، سبب تضعیف همبستگی اجتماعی می‌شود و به تدریج باعث ناراضی‌های قومی گشته و ممکن است آن را در مسیری متفاوت قرار دهد (محمودی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۶۲).

در شرایطی که قومیت به شکل عام تبدیل به یک مسئله برای کشورهای مختلف شده است و جزو مقولاتی است که ظرفیت بسیج‌پذیری بالایی دارد؛ بنابراین امر سیاست‌گذاری قومی در این کشورها ضروری است. در ایران به جهت تنوع، محرومیت و حاشیه‌نشینی اقوام در مرزهای جغرافیایی، امتداد اقوام در سوی دیگر مرزها، عدم

توزیع عادلانه منابع و امکانات، تحرکات گروه‌های قوم‌گرای افراطی داخلی، تحریک اقوام از سوی بیگانگان به مثابه اهرم فشار بر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و ضعف و خلأ تدوین قانون و سیاست‌گذاری در حوزه اقوام؛ موضوع سیاست‌گذاری قومی اهمیت مضاعفی دارد؛ بنابراین توجه به مسائل حوزه اقوام، شناسایی نقاط فرصت و تهدید، بررسی علل و زمینه‌های تنش‌های قومی، بررسی و ارزیابی عملکرد نهادها و مسئولان ذی‌ربط، ارائه الگویی کارآمد جهت پیش‌گیری از چالش‌ها، سیاست‌گذاری حوزه اقوام و در نهایت مدیریت تنوع‌های قومی ضروری است.

در مفهوم‌بندی سیاست‌گذاری قومی هم باید گفت در واقع سیاست‌های قومی نحوه مواجهه، برخورد و تعامل دولت‌ها و حکومت‌ها را با گروه‌های قومی و فرهنگی درون قلمرو سیاسی و جغرافیایی (سرزمینی) مشخص می‌سازد (حسابی، ۱۳۹۶: ۳۷۵). این سیاست‌ها اگر به نحو احسن تدوین و اجرا شوند، سبب بهره‌برداری از توانایی‌ها و ظرفیت‌های فراوانی می‌شود که در قومیت‌های مختلف وجود دارد و اگر ضعف‌ها و ناسازگاری‌هایی دارند، می‌تواند منشأ واگرایی‌های قومی، کاهش همبستگی ملی و سایر پیامدهای نامناسب دیگر شود. وجود هویت‌های مختلف قومی در کشور از یک‌سو و اهمیت سیاست‌های مناسب برای تقویت آن برای همبستگی و انسجام اجتماعی در کشور، ضرورت توجه به مسئله را دوچندان می‌کند (محمودی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۶۸).

بر این اساس اگر بخواهیم به برخی از رئوس توصیه‌های سیاستی در حوزه اقوام در جمهوری اسلامی ایران اشاره کنیم عبارت‌اند از: ضرورت مشارکت اقوام در قدرت سیاسی، توزیع عادلانه منابع و امکانات در مناطق قومی، عمران و توسعه زیرساخت‌ها در مناطق قومی به موازات مناطق مرکزی کشور، ایجاد رونق اقتصادی-تجاری در بازارهای مرزی کشور، تعریف و نهادینه کردن نسبتی معنادار و انسجام‌بخش میان هویت ملی و هویت قومی با استفاده از ابزار رسانه و محتوای آموزشی دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش و تلاش مضاعف برای حفظ ثبات و امنیت در مناطق قومی کشور.

پیشینه تحقیق

در ارتباط با سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی مطالعات مختلفی صورت گرفته از جمله محمودی، افضلی، ذکی و یزدان پناه (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی الگوهای سیاست‌گذاری و مدیریت قومی در ایران» به این نتیجه رسیدند که با پذیرش



تنوع گروه‌های قومی به‌عنوان واقعیتی اجتماعی، تمامیت ارضی حفظ و همگرایی و یکپارچگی ایجاد می‌شود. ابطحی، الیاسی و مصطفی‌نژاد (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «الگوی برای مدیریت انتظامی بحران‌های قومی ایران (مطالعه موردی قوم کرد)» نشان دادند که؛ اولاً: هر یک از عوامل سیاسی، فرهنگی، روانی و ... سهم معناداری در تبیین تمایلات و اگراییانه اقوام دارند. ثانیاً: با افزایش واگرایی آمادگی آنان برای دست یازیدن به کنش‌های بحران‌آمیز افزوده می‌شود. ثالثاً: به باور متخصصان، با بهره‌گیری روشمند از سازوکارهای روانی، فرهنگی و ... می‌توان زمینه‌های بروز و پدیدآیی بحران در مناطق قومی را از میان راند. خامساً: تحلیل نظرات مسئولین و کارشناسان آشکار ساخت که عوامل فرهنگی بیشترین تأثیر را بر مدیریت بحران و انتخاب سیاست مناسب برای حل مسائل قومی دارند. هوشنگی و اصلی‌پور (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی با عنوان «تبیین اهداف راهبردی و سیاست‌های مدیریت تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران» نشان دادند که سیاست‌های عمومی نظیر تمرکززدایی در سیاست‌گذاری، کادرسازی از میان اقوام، تقویت نظارت بر دستگاه‌های متولی و اعمال تبعیض مثبت به نفع اقوام در بهبود آسیب‌های وضع موجود و تحقق اهداف راهبردی مدیریت تنوع قومی به‌ویژه محتوای اسناد بالادستی و قانون اساسی کشور تأثیرگذار است.

هوشنگی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران، راهبردها و سیاست‌ها» ضمن پرداخت تفصیلی به ادبیات پژوهش‌های قومی، ویژگی‌های تنوع قومی در ایران، تاریخچه شکل‌گیری مسئله قومی در ایران و مسئله‌شناسی تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران به بیان و تشریح اصول و اهداف جمهوری اسلامی ایران برای سیاست‌گذاری مدیریت تنوع قومی می‌پردازد و در نهایت با طراحی سیاست مدیریت تنوع قومی به این نتیجه می‌رسد که برای سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران رویکرد و نگاه فرصتی به تنوع قومی البته همراه با کلان‌نگری و دید جامع به همه حوزه‌های سیاستی (عدم سیاست‌گذاری بخشی) ضروری است. هوشنگی همچنین معتقد است آنچه در روند سیاست‌گذاری تنوع قومی در مرحله تدوین سیاست مهم است، ایجاد اجماع میان دستگاه‌هاست. احمدی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «مدیریت سیاسی بحران‌های قومی (مطالعه موردی کانادا، اسپانیا، افریقای جنوبی، عراق، لبنان و ایران)» به این نتیجه دست یافت که کشورهای اسپانیا و کانادا، سیاست چندفرهنگ‌گرایی، چندزبانی، تکرر و تمرکززدایی را برای مدیریت گروه‌های قومی اتخاذ کردند. البته این سیاست باعث همگرایی و انسجام بیشتر بین گروه‌ها نشد و از سوی دیگر به دلیل فقدان دشمن خارجی،

تبدیل به بحران عمیق امنیت ملی نیز نشد. در این میان کشور مالزی سیاست ادغام (انتگراسیون) را انتخاب کرده است. دولت مالزی سیاست‌های مدون‌تر در این زمینه داشته و توانسته است با برنامه‌ریزی به‌نوعی مدیریت و نظم ثابت در این خصوص برسد.

رحیمی (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی با عنوان «استراتژی‌های ملت‌سازی و توسعه ناموزون در ایران» به این نتیجه رسید که از میان مؤلفه‌ها و عناصر استراتژی ملت‌سازی در دوره‌های پهلوی و جمهوری اسلامی، عناصر مشترک مهمی مانند تمرکزگرایی سیاسی و اقتصادی و سیاست اصلاحات از بالا در ایجاد توسعه نامتوازن مؤثر بوده‌اند. پژوهش یوسفی‌جوبباری، صیدی‌محمدی و فتاحی (۱۳۹۱) با عنوان «نابرابری‌های قومی و امنیت ملی» نشان داد که مشارکت سیاسی اقوام باعث افزایش درک سیاسی، مسئولیت‌پذیری و تقویت حس تعهد آنان نسبت به حکومت می‌گردد. صفوی و علی پور (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی با عنوان «عوامل و ریشه‌های بحران قومی در ایران پس از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: کردستان)» به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عوامل بروز بحران قومی در کردستان به ترتیب عبارت بودند از: نقش نخبگان، دخالت نیروهای خارجی و شرایط خاص دوران گذار. به لحاظ مؤلفه‌های چهارگانه به ترتیب عبارت‌اند از: مؤلفه‌های سیاسی_امنیتی، فرهنگی_اجتماعی، جغرافیایی طبیعی و نهایتاً مؤلفه‌های اقتصادی. همچنین پژوهش گالاندینی و فیلدوس^۱ (۲۰۱۹) با عنوان «بحث و گفتگو در مورد بسیج: قومیت، شبکه‌های بحث و گفتگو سیاسی و مشارکت رأی‌دهندگان در انگلیس» نشان داد که برای انگلیس سفید، مباحث مشترک قومی از ارزش بسیج بیشتری نسبت به ارزش آن برای آسیایی‌ها و سایر اقوام برخوردار است. به‌طورکلی ارزش بسیج بحث و گفتگوها بدون در نظر گرفتن قومیت یک شهروند، تأثیر مثبتی بر روی مشارکت دارد. ژانارستانوا و نچایووا^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «اصول معاصر بازنمایی سیاسی گروه‌های قومی» به این نتیجه رسیدند که اصول مناسب برای یک کشور برای کشور دیگر نادرست است، به همین دلیل در هر صورت باید ویژگی دولت، ذهنیت مردم آن، تاریخ و سایر عوامل موردتوجه قرار گیرد.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر با روش گراندتئوری یا داده‌بنیاد انجام شده است؛ بنابراین ضمن توجه به ادبیات و پیشینه مطالعات سیاست‌گذاری قومی و الگوهای مدیریت اقوام؛ فاقد فرضیه پیشینی است و با یک نگاه جدید به دنبال فهم و تجمیع مجموعه نظرات صاحب‌نظران حوزه‌های مطالعات قومی از نظرگاه‌های متفاوت است. توضیح اینکه در مصاحبه‌ها سعی شد به اساتیدی با منظرهای فکری و جایگاه‌های شغلی متفاوت مراجعه

1. Galandini & Fieldhouse
2. Zhanarstanova & Nechayeva



شود. این تلاش به همین نسبت خود را در داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها نشان داد. به نحوی که در نهایت با مجموعه‌ای از داده‌های به ظاهر متضاد مواجه شدیم که البته تجمیع این داده‌ها در کنار هم نوعی مزیت برای این پژوهش است. به عنوان مثال مؤلفه‌هایی مانند «هویت ملی»، «هویت دینی»، «شهر و ندمحوری»، «عدالت محوری»، «شیعه محوری»، «تکثرگرایی» و «هماندسازی» در همه مصاحبه‌ها به انحاء مختلف مطرح شدند؛ بنابراین این پژوهش ادعا دارد به جهت روش خاص آن و مراجعه به اساتید صاحب نظر از طیف‌های فکری متنوع واجد ویژگی جامع‌نگری است و الگوی برآمده از آن به جهت این شاخصه به میزان زیادی مطلوب و کارآمد است به نحوی که ضمن ارائه الگویی کارآمد برای مدیریت تنوع قومی و سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران (پاسخ سؤال اصلی) به تبیین شاخص‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران (پاسخ سؤالات فرعی) می‌پردازد.

سؤالات تحقیق

با توجه به مطالب مطرح شده سؤالات پژوهش به شرح زیر هستند:

سؤال اصلی

مدل مناسب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران چگونه مدلی است؟

سؤالات فرعی

شاخص‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟

مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟

برای یافتن پاسخ سؤالات فوق، مبتنی بر روش داده‌بنیاد و براساس مصاحبه با پانزده نفر از خبرگان حوزه مطالعات قومی عمل شده است. در ابتدا مجموع مباحث مطرح شده در مصاحبه‌ها به طور کلی و طبق حوزه‌های مورد مطالعه و سپس در قالب شش ستون اصلی (مقولات شش‌گانه روش داده‌بنیاد) شامل مقوله‌های محوری، بسترها، پیامدها، شرایط مداخله‌گر، علی و راهبردها طبقه‌بندی شده‌اند. در این بخش از آنجاکه تعداد مقوله‌ها نه تنها فراوان بلکه بعضاً مشابه و متداخل نیز هستند، عملیات کدبندی محوری دوباره انجام شده و تعداد محدود و انتزاعی‌تری از مقوله‌ها استخراج شده‌اند. در ادامه مقوله هسته نهایی، یعنی انتزاعی‌ترین سطح مفهومی انتخاب شده است که بتواند تمام مقوله‌های فوق را در بر گرفته و خصوصیت تحلیلی نیز داشته باشد. در نهایت پاسخ سؤالات فرعی با توجه به مقولات شش

گانه فوق و مدل مطلوب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مؤلفه‌های اصلی استخراج‌شده از مصاحبه‌ها که در این پژوهش به‌عنوان مقوله هسته نهایی مطرح هستند ارائه شده است.

مبانی نظری تعریف قومیت

در تعریف قومیت و قوم همانند بسیاری از مفاهیم علوم انسانی و علوم اجتماعی، تفاوت‌های معناداری وجود دارد. این تفاوت‌ها اغلب به تفاوت دیدگاه‌ها، حوزه‌های مطالعاتی، نگرش‌های منطقه‌ای و تأثیرپذیری‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محققان این حوزه مربوط می‌شود (مقصودی، ۱۳۸۵: ۸۹). از نظر کاشمور قوم به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که واجد میزانی از پیوستگی و انسجام بوده و مرکب از افرادی است که حداقل به‌طور ضمنی از منشأ‌علاقه مشترک خودآگاه هستند. از این جهت یک گروه قومی فقط تجمعی از افراد یا تنها بخشی از یک جمعیت نیست بلکه جمعی از افراد خودآگاه هستند که به دلیل تجربه مشترک، ارتباط نزدیکی با هم پیدا کرده یا وحدت یافته‌اند (کاشمور، ۱۹۹۶: ۵۱). آنتونی اسمیت از بنیان‌گذاران دیدگاه نمادپردازی قومی نیز قوم را چنین تعریف می‌نماید: «جامعه قومی گروهی اجتماعی است که اعضای آن احساس اشتراک در اصل و ریشه، ادعای تاریخی و سرنوشتی متمایز و مشترک و یک یا چند ویژگی متمایزکننده دارند و احساس یگانگی جمعی و همبستگی می‌کنند» (مهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۹).

مفهوم قومیت

مفهوم قومیت در طول زمان به‌طور مداوم متحول شده و یک سیر تکوینی را سپری کرده است. در ابتدا گروه قومی مفهومی مذهبی داشت و به گروه‌های غیر مسیحی که به مسیحیت نگرویده بودند اشاره داشت. سپس این واژه مفهومی نژادی گرفت و مفهوم مذهبی اولیه خود را از دست داد. در مورد قرار گرفتن نژاد به‌عنوان یکی از ملاک‌های شناسایی گروه قومی باید گفت که از نظر بسیاری به‌هیچ‌وجه نژاد نمی‌تواند ملاک معتبری برای شناسایی یک گروه قومی باشد؛ زیرا نخست، امروزه بین اکثر مردم جهان چنان آمیختگی نژادی شدیدی به وجود آمده که تشخیص نژاد گروه قومی را بسیار دشوار ساخته است. دوم، در تقسیم‌بندی‌هایی که از نژادهای مختلف می‌شود، عمده گروه‌های قومی که در مناطق جغرافیایی مختلف ساکن هستند از یک گروه نژادی بوده و لذا این ملاک کاربرد چندانی برای تمییز آن‌ها از یکدیگر نخواهد داشت (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۱۸). سوم، تأکید بر ملاک نژاد می‌تواند خطر و مشکلی حاد به وجود آورد و آن خطر برتری‌جویی نژادی و یا به عبارتی خطر رشد دیدگاه نژادپرستانه



است. هارلود ایساک به ملاک‌های مشخص متنوعی برای قومیت اشاره دارد که به‌طور معمول در بسیاری از فرهنگ‌های لغات بدان ارجاع داده می‌شود. در میان این ملاک‌ها به‌طور بارز می‌توان به‌ظاهر فیزیکی، نام، زبان، تاریخ و مذهب اشاره کرد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۳). آنتونی اسمیت نیز ملاک‌های متنوعی را در تعریف مفهوم گروه قومی به کار می‌برد. قوم در تعریفی کارآمد و کوتاه از نظر وی عبارت است از: «یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت» (نصیری حامد، ۱۳۸۷: ۳۸).

سرانجام در توضیح مفهوم‌بندی‌های قومیت مابین دو مکتب سازه‌انگاری و فطری‌گرا تفاوت وجود دارد. فطری‌گرایان معتقدند که هویت‌های قومی از بدو زایش ثابت هستند. یک فرد بی‌آنکه خود انتخاب کند در متن یک گروه متولد و عضویت آن را پیدا می‌کند. در مقابل سازه‌انگاران معتقدند که نباید به هویت‌ها به‌صورت امور قطعی نگریست. از نظر این‌ها افراد هویتشان را در یک بازار اجتماعی انتخاب می‌کنند و یا در واقع در تماس با دیگران هویتشان را می‌سازند (مور، ۲۰۰۲: ۱۷).

سیاست‌های قومی

سیاست قومی به‌عنوان مجموعه‌ای منظم از اهداف، روش‌ها و ابزارهاست که درصدد دخالت و تأثیرگذاری مثبت بر شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نظام اجتماعی است. سیاست قومی یکی از ابعاد و انواع سیاست‌گذاری‌های کلان است که دولت‌ها متکفل و متولی آن هستند. در پژوهش حاضر سعی داریم ضمن توجه به چارچوب‌های نظری حوزه سیاست‌گذاری قومی، ویژگی‌های متمایز اقوام ایرانی، اقتضائات جامعه و جغرافیای ایران و روح حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ به بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران پردازیم. درنهایت با صورت‌بندی و ایجاد نسبتی معنادار میان این مؤلفه‌ها به الگوی مطلوب برسیم. البته این راهبرد زمانی می‌تواند کارآمد و اثربخش باشد که از حالت نظری صرف بیرون آمده و در قالب یک مدل جامع طراحی، اجرا و سپس مورد ارزیابی و تکمیل قرار گیرد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا کیفی از نوع گراند تئوری بود. جامعه پژوهش حاضر شامل خبرگان و صاحب‌نظران حوزه سیاست‌گذاری قومی بودند. نمونه پژوهش با توجه به اشباع نظری داده‌ها در پژوهش کیفی مشخص شد و بر این اساس تعداد مصاحبه‌ها با

۱۵ نفر به اتمام رسید. روش نمونه‌گیری، روش هدفمند بود. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها در قسمت کیفی در قالب کدگذاری باز-محوری و گزینشی انجام گرفت. در ابتدا مجموع مباحث مطرح شده در مصاحبه‌ها به‌طور کلی و طبق حوزه‌های مورد مطالعه و سپس در قالب شش ستون اصلی (مقولات شش گانه روش داده بنیاد) شامل مقوله‌های محوری، بسترها، پیامدها، شرایط مداخله‌گر، علی و راهبردها طبقه‌بندی شدند. در این بخش با توجه به تشابه، تداخل و فراوانی تعداد مقوله‌ها، عملیات کدبندی محوری دوباره انجام شده و تعداد محدود و انتزاعی تری از مقوله‌ها استخراج شدند. سپس مقوله هسته نهایی، یعنی انتزاعی‌ترین سطح مفهومی انتخاب شد که بتواند تمام مقوله‌های فوق را در بر گرفته و خصوصیت تحلیلی نیز داشته باشد. در نهایت پاسخ سؤالات فرعی با توجه به مقولات شش گانه فوق و الگوی مطلوب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مؤلفه‌های اصلی استخراج شده از مصاحبه‌ها که در این پژوهش به‌عنوان مقوله هسته نهایی مطرح هستند ارائه خواهد شد.

یافته‌های پژوهش مصاحبه‌ها

پس از انجام تمامی مراحل کدگذاری (باز-محوری و گزینشی) برای تمامی سؤالات در نهایت، یافته‌های عمده پژوهش که در قالب مفاهیم/ کدها، مقوله‌های عمده و تعیین مقوله هسته به تفکیک هر سؤال محوری ارائه شده بودند، دوباره تمامی مقوله‌های عمده بر حسب جنبه‌های شرایطی، تعاملی و پیامدی با همدیگر تلفیق شده و یک مدل انتزاعی و عمومی‌تر که بیانگر پرسش اصلی پژوهش است، استخراج شد. در جدول ذیل کوشش شده است تا مقوله‌های عمده پژوهش را به سطح انتزاعی بالاتر ارتقا دهیم. به این معنا که از آنجایی که مقوله عمده دارای تشابهات معنایی و مفهومی قابل توجهی بودند، لذا دوباره مقوله‌های عمده را در قالب چند مقوله کلی‌تر، تحلیلی‌تر و انتزاعی‌تر خلاصه کرده و آن‌ها را بر اساس شش وجه مقوله محوری، بسترها، علی، پیامدها، شرایط مداخله‌گر و راهبردها بازسازی نماییم. در اینجا از طبقه‌بندی و انتزاع مجدد مقوله‌های عمده، مقوله‌های عمده دیگر به‌دست آمده است.

جدول شماره ۱: کدبندی مقولات عمده به‌دست آمده از مصاحبه‌ها

کدبندی مقولات عمده به تفکیک			
ردیف	مقوله‌های عمده نهایی	مقوله‌های عمده	نوع مقوله
۱.	سیاست‌گذاری دانش‌بنیان و پژوهش محوری	فرهنگی	مقوله راهبردها
۲.	تأسیس نهادهای متولی حوزه اقوام		



		۳. تقویت هویت ملی	
		۴. شهروندمحوری	
		۵. توجه به تاریخ مشترک ایرانیان	
		۶. ایجاد ذهنیت مثبت نسبت به اقوام	
		۷. استفاده از ظرفیت فرهنگی اقوام	
		۸. توسعه ملی متوازن	
		۹. بازتوزیع منصفانه منابع در مناطق قومی	
	اقتصادی، سیاسی و امنیتی	۱۰. قانون گذاری	
		۱۱. مشارکت گرای ملی	
		۱۲. آینده پژوهی و آسیب شناسی گذشته	
		۱۳. بومی سازی سیاست گذاری ها	
		۱۴. اصلاح برخی سیاست های قومی خصوصاً بومی گزینی	
		۱۵. کلان نگری به حوزه اقوام	
		۱۶. تدوین سیاست گذاری ها مبتنی بر مسائل و نیاز اقوام	
		۱۷. توجه به امنیت داخلی و خارجی	
		۱۸. استفاده از نخبگان و اجماع نظرات ان ها	
		۱۹. توجه به فرایند (تقتین، اجرا، نظارت، بازخورد) و زمان سیاست گذاری ها	
		اقتصادی- فرهنگی	۲۰. پویایی اقتصاد ملی
			۲۱. تسریع توسعه کشور
۲۲. پویایی فرهنگی			
۲۳. تقویت هویت ملی			
۲۴. کسب منزلت بین المللی و الگو شدن			
سیاسی- امنیتی	۲۵. تقویت مشروعیت حکومت		
	۲۶. تقویت ثبات سیاسی		
	۲۷. تقویت امنیت ملی		
	۲۸. بهبود روابط قومی و کاهش تهدیدات داخلی و خارجی		
	۲۹. تقویت رضایتمندی عمومی		
	۳۰. ارتقاء مشارکت گرای ملی		
	۳۱. افزایش سرمایه اجتماعی		
	۳۲. تقویت انسجام ملی		
	مقوله پیامدها	۳۳. تاریخ، فرهنگ و تمدن مشترک	
		۳۴. وجود قوانین	
۳۵. کارآمدی رسانه ملی			
۳۶. اشتراکات دینی_ ملی			
۳۷. وجود نهادها و متخصصان حوزه اقوام			
۳۸. توان اقتصادی مناطق مختلف قومی			
۳۹. ثبات سیاسی داخلی			
۴۰. امنیت ملی و فراملی			
۴۱. جغرافیای متنوع			
۴۲. تعاملات گسترده اقوام با یکدیگر			
مقوله بسترها	----		



		۴۳ مشارکت سیاسی اقوام
مقوله محوری	سیاست‌گذاری قومی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران	۴۴ تقویت اقتصاد
		۴۵ عدالت‌محوری
		۴۶ توجه به تاریخ و فرهنگ ایرانی
		۴۷ تقویت هویت ملی مبتنی بر تنوع قومی
		۴۸ شهروندمحوری
		۴۹ قانون‌گذاری در حوزه اقوام
		۵۰ توجه به بازیگران خارجی
		۵۱ نگاه کارشناسانه و پژوهش‌محور به حوزه اقوام
		۵۲ ارائه مدل بومی
		۵۳ توجه به مبانی دینی
		۵۴ توجه به جغرافیا و ژئوپلیتیک ایران
		۵۵ وجود متون و نظریات سیاست‌گذاری
		۵۶ توجه بر نحوه سیاست‌گذاری‌ها
مقوله علی	فرهنگی	۵۷ تقویت هویت ملی
		۵۸ پژوهش محوری
		۵۹ شهروندمحوری
		۶۰ توجه به تاریخ و فرهنگ مشترک
		۶۱ جهانی شدن
		۶۲ نهادسازی در حوزه اقوام
	سیاسی-امنیتی	۶۳ توجه به اجماع نخبگان در سیاست‌گذاری
		۶۴ توجه به جغرافیا و ژئوپلیتیک ایران
		۶۵ محتوای مناسب (متناسب) سیاست‌ها
		۶۶ مشارکت‌گرایی اقوام
۶۷ توجه به فرایند (تقنین، اجرا، نظارت، بازخورد) سیاست‌گذاری		
۶۸ توجه به تنوعات قومی در سیاست‌گذاری		
۶۹ مدیریت تحرکات درون‌مرزی و برون‌مرزی		
۷۰ عمومی (انتشار) نمودن سیاست‌ها		
شرایط مداخله‌گر	مثبت	۷۱ تأکید بر انسجام ملی (هویت ملی) مبتنی بر اشتراکات اقوام
		۷۲ تأکید بر دو مؤلفه هویتی ملی و دینی (ایران و اسلام)
	منفی	۷۳ حوادث غیرمترقبه
		۷۴ مشکلات اقتصادی و فرهنگی
		۷۵ رفتار نخبگان قومی
		۷۶ مداخلات خارجی
		۷۷ ضعف رسانه‌ای
		۷۸ ضعف امنیت ملی
		۷۹ اشتباهات متولیان
		۸۰ عدم انسجام ملی
		۸۱ بسیج‌پذیری اقوام

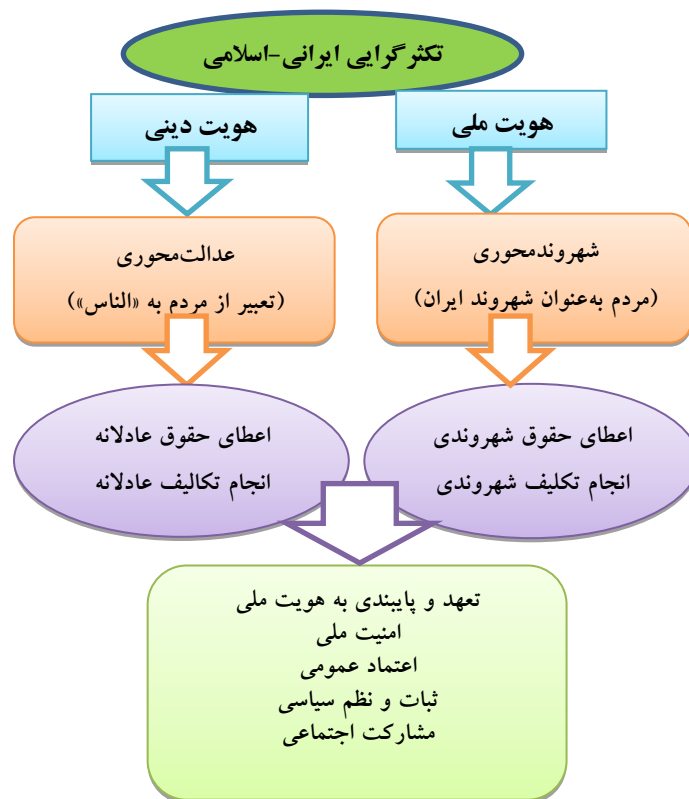


همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه گردید، تمامی مقوله‌ها ابتدا به‌طور کلی و طبق حوزه‌های مورد مطالعه و سپس در قالب شش ستون اصلی شامل مقوله‌های محوری، بسترها، پیامدها، شرایط مداخله‌گر، علی و راهبردها طبقه‌بندی شده‌اند. در مدل مطلوب که در قالب شکل بعد آمده است مدل زمینه‌ای حول مقوله‌های محوری ترسیم شده است.



شکل شماره ۱: طراحی مدل مطلوب سیاست‌گذاری قومی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران

در ادامه با هدف ارائه عنوان دقیق الگوی مطلوب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران دوباره مقوله هسته نهایی، یعنی انتزاعی‌ترین سطح مفهومی را انتخاب کردیم که بتواند تمام مقوله‌های دیگر را در بر گرفته و خصوصیت تحلیلی نیز داشته باشد. با توجه به اینکه چهار مؤلفه هویت ملی، هویت دینی، شهروندمحوری و عدالت‌محوری مورد تأکید اغلب اساتید صاحب‌نظر بود و بیشترین تکرار را در طول مصاحبه‌ها داشت بنابراین مؤلفه هویت ملی-دینی با تأکید بر شهروندمحوری و عدالت‌محوری به‌عنوان مقوله هسته نهایی انتخاب شد. در نهایت الگوی مطلوب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر چهار مؤلفه هویت ملی، هویت دینی، شهروندمحوری و عدالت‌محوری و با صورت‌بندی ارتباطی معنادار و کارآمد میان این مؤلفه‌ها ارائه شد.



شکل شماره ۲: چارچوب الگوی «تکثرگرایی ایرانی-اسلامی»



مؤلفه‌های اصلی الگوی تکرگرای ایرانی-اسلامی

در سیاست‌گذاری حوزه اقوام ابتدا باید خوانش صحیحی از دو کلان‌حوزه ایران و اسلام داشته باشیم. چراکه به نظر می‌رسد عمده اختلال در جامعه ایرانی به اختلال ارتباطی این دو کلان‌حوزه مربوط می‌شود و مباحث و مسائل پیرامون حوزه‌های خرد از جمله موضوع هویت قومی؛ یک مسئله فرعی و پسینی هستند؛ بنابراین تلاش اصلی ما باید صورت‌بندی و فهم صحیح از ارتباط دو کلان‌حوزه هویتی ایران و اسلام باشد. در غیر این صورت در مرحله سیاست‌گذاری و بالتبع در مدیریت تنوع‌های قومی موفق نخواهیم بود. در این نگاه حوزه اقوام و هویت قومی به‌مثابه حوزه خرد و فرعی تلقی می‌شود.

هویت ملی (ایرانی)

در این چارچوب همه مردم به‌عنوان شهروندان ایران دارای حقوق و تکالیف شهروندی هستند. تاریخ مشترک ایرانیان، تجربه زیست مسالمت‌آمیز ایرانیان در طول تاریخ و اتحاد و انسجام اقوام ذیل مفهوم هویت ایرانی دلالت بر اثربخشی و کارآمدی مؤلفه هویت ملی (ایرانی) دارد.

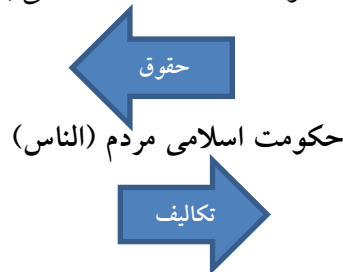


تکالیف شهروندان ایرانی: مالیات، مشارکت سیاسی-اجتماعی، حفظ نظم مدنی، تعهد به هویت ملی و در یک کلمه انجام تکالیف شهروندی.
حقوق شهروندان ایرانی: تأمین امنیت، توزیع عادلانه منابع، احترام به فرهنگ‌های محلی، آزادی و مدیریت آموزش زبان‌های قومی، تسهیم در قدرت سیاسی و در یک کلمه بهره‌مندی از حقوق شهروندی.

طرح مفهوم شهروندمحوری ذیل مؤلفه هویت ملی در نهایت به تبیین و اعطاء حقوق شهروندان از سوی حکومت و نیز انجام تکالیف شهروندان در قبال حاکمیت می‌انجامد. این رابطه و نسبت میان حکومت و شهروندان باعث ثبات و نظم سیاسی، امنیت ملی، حس تعهد و پابندی به حاکمیت و هویت ملی، اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی می‌شود.

هویت دینی (اسلامی)

در این چارچوب همه مردم به‌عنوان «الناس» دارای حقوق و تکالیفی در ارتباط با حکومت عدالت‌محور اسلامی هستند. وظیفه حکومت اسلامی نیز توزیع عادلانه حقوق و تکالیف مردم است. در همین زمینه می‌توان به آیات «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقاکم» و «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» اشاره کرد که دلالت بر رابطه عادلانه انبیاء الهی به عنوان حاکمان جامعه اسلامی با مردم دارد.



طرح مفهوم عدالت‌محوری ذیل مؤلفه هویت دینی در نهایت به برقراری عدالت و تبیین و اعطاء حقوق‌الناس از سوی حکومت اسلامی و نیز انجام تکالیف مردم در قبال حکومت عدالت‌محور می‌انجامد. این رابطه و نسبت میان حکومت اسلامی و مردم باعث ثبات و نظم سیاسی، امنیت ملی، حس تعهد و پایبندی به حکومت اسلامی و هویت دینی، اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در تحلیل یافته‌های پژوهش پیرامون مقوله‌های علی، مداخله‌گر و بسترها می‌توان گفت: نتایج پژوهش‌های ابطحی، الیاسی و مصطفی‌نژاد (۱۳۸۹) که نشان دادند اولاً: هر یک از عوامل سیاسی، فرهنگی، روانی و ... سهم معناداری در تبیین تمایلات و اگراییانه اقوام دارند. ثانیاً: با افزایش و اگرایی آمادگی آنان برای دست یازیدن به کنش‌های بحران‌آمیز افزوده می‌شود. ثالثاً: به باور متخصصان، با بهره‌گیری روشمند از سازوکارهای روانی، فرهنگی و ... می‌توان زمینه‌های بروز و پدیدآیی بحران در مناطق قومی را از میان راند. رابعاً: تحلیل نظرات مسئولان و کارشناسان آشکار ساخت که عوامل فرهنگی بیشترین تأثیر را بر مدیریت بحران و انتخاب سیاست مناسب برای حل مسائل قومی دارند، با نتایج پژوهش حاضر همسو است. همچنین نتایج پژوهش



یوسفی جویباری، صیدی محمدی و فتاحی (۱۳۹۱) که نشان دادند مشارکت سیاسی اقوام باعث افزایش درک سیاسی، مسئولیت‌پذیری و تقویت حس تعهد آنان نسبت به حکومت می‌گردد و نتایج پژوهش صفوی و علی‌پور (۱۳۹۰) نیز که به این نتیجه رسیدند مهم‌ترین عوامل بروز بحران قومی در کردستان به ترتیب عبارت‌اند از: نقش نخبگان، دخالت نیروهای خارجی و شرایط خاص دوران گذار؛ به لحاظ مؤلفه‌های چهارگانه که به ترتیب عبارت‌اند از: مؤلفه‌های سیاسی امنیتی، اجتماعی-فرهنگی، جغرافیایی-طبیعی و در نهایت مؤلفه‌های اقتصادی؛ با نتایج پژوهش حاضر همسو است. یافته‌های پژوهش حاضر در زمینه راهبردها با نتایج پژوهش هوشنگی و اصلی‌پور (۱۳۹۷) که نشان دادند سیاست‌های عمومی نظیر تمرکززدایی در سیاست‌گذاری، کادرسازی از میان اقوام، تقویت نظارت بر دستگاه‌های متولی و اعمال تبعیض مثبت به نفع اقوام در بهبود آسیب‌های وضع موجود و تحقق اهداف راهبردی مدیریت تنوع قومی به‌ویژه محتوای اسناد بالادستی و قانون اساسی کشور تأثیرگذار است، همسو است.

پژوهش رحیمی (۱۳۹۶) که نشان داد از میان مؤلفه‌ها و عناصر استراتژی ملت‌سازی در دوره‌های معاصر، عناصر مشترک مهمی مانند تمرکزگرایی سیاسی و اقتصادی و سیاست اصلاحات از بالا در ایجاد توسعه نامتوازن مؤثر بوده‌اند، با راهبردهای پژوهش حاضر همسو است. همچنین نتایج پژوهش هوشنگی (۱۳۹۶) که نشان داد برای سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران رویکرد و نگاه فرصتی به تنوع قومی البته همراه با کلان‌نگری و دید جامع به همه حوزه‌های سیاستی (عدم سیاست‌گذاری بخشی) ضروری است و ایجاد اجماع میان دستگاه‌ها در روند سیاست‌گذاری تنوع قومی در مرحله تدوین سیاست مهم است با یافته‌های پژوهش حاضر در بخش راهبردها همسو است. در مورد نتایج حاصله برای پیامدها نیز با نتایج پژوهش محمودی، افضل‌ی، ذکی و یزدان پناه (۱۳۹۸) که نشان دادند با پذیرش تنوع گروه‌های قومی به‌عنوان واقعیتی اجتماعی، تمامیت ارضی حفظ و همگرایی و یکپارچگی ایجاد می‌شود، همسو است.

براساس مجموع یافته‌های پژوهش ضروری است سیاست‌گذاری منسجمی در حوزه اقوام ایرانی انجام پذیرد و مدیریت سیاسی جامعه در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی به‌گونه‌ای عمل کند که ضمن ایجاد همگرایی اجتماعی و فرهنگی در میان گروه‌های قومی جامعه، تنوع و تعدد آن‌ها را نیز حفظ کند؛ بنابراین، آن دسته سیاست‌های قومی که بتواند زمینه‌های بروز نارضایتی و طرح خواسته‌های جدایی‌طلبانه قومی را کاهش دهد و نخبگان قومی را در قدرت سهم

کند، قطعاً در جلوگیری از بروز تنش‌های قومی مؤثر خواهد بود. البته به نظر می‌رسد آنچه در این پژوهش دنبال آن هستیم در متن و اصول کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در مفاهیمی چون شهروندمحوری و عدالت‌محوری که از شاخصه‌های مؤلفه‌های هویتی ایرانی-اسلامی هستند، مشهود و مورد تأکید است؛ اما اجرای همان اصول نیازمند انجام پژوهش‌های جزئی و موردی متناسب با اقتضائات و نیازهای اقوام مختلف، سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر پژوهش‌ها و در نهایت اراده جدی در حوزه اجراست.

به‌طورکلی مدل ارائه‌شده در این پژوهش تلاش می‌کند تا با جامع‌نگری و توجه به همه مؤلفه‌های مهم در سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران و با کاستن از زمینه‌های واگرایی قومی موجب تقویت هویت ملی-دینی شود. بر همین اساس توجه به کاربست اصل شهروندی به شکل مندرج در قانون اساسی و نه مفهوم و مصداق غربی و لیبرالی این مفهوم می‌تواند تا حد زیادی تضادهای اجتماعی موجود بین گروه‌های قومی را ترمیم و مانع از فعال، متراکم و سیاسی شدن آن‌ها به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم آسیب‌پذیری و بالفعل شدن تهدیدات امنیتی در سطوح منطقه‌ای و ملی و افزایش ضریب امنیتی این اقوام باشد. ازسوی دیگر، در ایران با توجه به تجربه تاریخی وجود اقوام مختلف و تجربه سیاست‌های مختلف سرکوب، انکار و یکسان‌سازی تا تکثرگرایی نابرابر که بخش عمده آن را در دوره پهلوی اول شاهد هستیم، باید هرگونه سیاست قومی با توجه به آموزه‌های دین مبین اسلام در پذیرش تنوع فرهنگی و رویکرد عدالت‌محور در قبال اقوام، ظرفیت‌های فراگیر هویت ملی که همه اقوام را شهروند ایران می‌داند، به رسمیت شناختن حقوق اقوام در قانون اساسی و سند چشم‌انداز کشور تدوین و اعمال شود.

حیات و بقای ما در گرو وحدت و یکپارچگی ایران است. این رویکرد کلی باید به‌صورت یک سازوکار علمی و قانونی درآید. در پژوهش حاضر و در مدلی که با رویکرد گراند تئوری ارائه شد سعی کردیم وجوه جزئی همین سازوکار را بررسی و تبیین نماییم. بر این اساس باید به جای تأکید بر فرهنگ و زبان قومی بر مفهوم شهروندی و عدالت تأکید شود. این دو مفهوم خطوط فرهنگی و قومی را کمرنگ کرده درعین حال آزادی‌های فردی را بیشتر می‌کنند.

با تمرکز بر رئوس مباحث مطرح‌شده در مصاحبه خبرگان حوزه سیاست‌گذاری قومی به نظر می‌رسد چهار مؤلفه عمده هویت ملی (ایرانی)، هویت دینی (اسلامی)، شهروندمحوری، عدالت‌محوری در ترسیم مناسبات دولت جمهوری اسلامی ایران با



اقوام و سپس سیاست‌گذاری در این حوزه قابل توجه هستند. به عبارتی هرگونه سیاست‌گذاری کلان در حوزه اقوام باید مبتنی بر چهار مؤلفه فوق و بعد از صورت‌بندی و تعریف نسبتی معنادار میان این مؤلفه‌ها باشد. بر همین اساس این پژوهش ادعا دارد الگوی مطلوب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران و مدیریت تنوع‌های قومی باید مبتنی بر آمیختگی و پیوستگی دو کلان حوزه هویتی ایران و اسلام و با تأکید بر دو مفهوم شهروندمحوری و عدالت‌محوری باشد که ما از آن با عنوان الگوی «تکثرگرایی ایرانی-اسلامی» تعبیر می‌کنیم. نکته مهم در تدوین و اجرای این سیاست‌ها توجه به نسبتی است که این سیاست‌ها با هویت ملی برقرار می‌کنند. به عبارتی اگر این سیاست‌ها در نهایت سبب تقویت حس تعهد به هویت ملی شود مطلوب است و در غیر این صورت آسیب‌شناسی و بازاندیشی در آن ضروری است.

منابع

- ابطی، حسین؛ الیاسی، محمدحسین؛ مصطفی‌نژاد، حسن (۱۳۸۹)؛ *الگوی برای مدیریت انتظامی بحران‌های قومی ایران (مطالعه موردی قوم کرد)*، پایان‌نامه دکترای تخصصی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- احمدی‌پور، زهرا؛ حیدری موصولو، طهمورث؛ حیدری موصولو، طیبه (۱۳۸۹)؛ «تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران: جهت امنیت پایدار»، *فصلنامه‌ی انتظام اجتماعی*، سال دوم، (۱)۲، صص ۶۲-۳۵.
- احمدی، حمید (۱۳۹۶)؛ *بررسی کتاب مدیریت سیاسی بحران‌های قومی (مطالعه موردی کانادا، اسپانیا، آفریقای جنوبی، عراق، لبنان و ایران)*، تهران: انتشارات مرکز آموزش وزارت کشور و دانشگاه تهران.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸)؛ *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- حسابی، احمد (۱۳۹۶)؛ «بررسی رابطه بین همبستگی ملی با گفتمان سیاست‌های قومیتی و تأثیر آن بر قومیت‌های مختلف در خوزستان (در دوره اصلاحات)»، *فصلنامه‌ی علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)*، (۳۷)۱۱، صص ۳۹۴-۳۷۳.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۴)؛ «سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران، چگونگی، فرایند و عوامل مؤثر بر تدوین»، *فصلنامه‌ی سیاست‌گذاری عمومی*، (۲)۱، صص ۸۸-۶۹.
- حیدری، جهانگیر (۱۳۹۱)؛ *نقش مدیریت سیاسی در همگرایی و واگرایی اقوام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- رحیمی، علیرضا (۱۳۹۶)؛ «استراتژی‌های ملت‌سازی و توسعه ناموزون در ایران»، *فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی*، (۴)۲۰، صص ۷۸-۶۵.
- صفوی، سیدیحیی؛ علی‌پور، عباس (۱۳۹۰)؛ «عوامل و ریشه‌های بحران قومی در ایران پس از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: کردستان)»، *پژوهش‌های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)*، (۲)۶، صص ۱۹۴-۲۰۷.

- عباسی، پیمان؛ مقصودی، مجتبی؛ نادرپور، بابک (۱۳۹۰)؛ *آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری‌های قومی و تأثیر آن بر امنیت ملی نظام ج.ا.ا با تأکید بر ایل قشقایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- محمودی، ابوالقاسم؛ افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار؛ یزدان پناه، کیومرث (۱۳۹۸)؛ «ارزیابی الگوهای سیاست‌گذاری و مدیریت قومی در ایران»، *فصلنامه‌ی مجلس و راهبرد*، سال بیست‌وششم، ۹۹، صص ۲۷۶-۲۵۰.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۵)؛ «مشارکت انتخاباتی اقوام در ایران؛ بررسی موردی انتخابات ریاست جمهوری»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، سال هفتم، ۲۸، صص ۱۰۸-۸۳.
- مهری، کریم؛ یزدخواستی، بهجت؛ پناهی، محمدحسین (۱۳۹۳)؛ «سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک»، دو فصلنامه علمی پژوهشی قدرت نرم، ۴(۱۰)، صص ۸۷-۷۵.
- هوشنگی، حمید (۱۳۹۶)؛ *تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران، راهبردها و سیاست‌ها*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- هوشنگی، حمید؛ اصلی‌پور، حسین (۱۳۹۷)؛ «تبیین اهداف راهبردی و سیاست‌های مدیریت تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی*، ۴(۴)، صص ۱۵۱-۱۳۳.
- نصیری، حامد، رضا (۱۳۸۷)؛ «اصول و بنیادهای سیاست‌گذاری قومیتی در هند؛ درس‌ها و بهره‌هایی برای ایران»، *پژوهشنامه مدیریت انسجام ملی: تجربه دیگر کشورها*، شماره ۱۷، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- یوسفی‌جویباری، محمد؛ صیدی‌محمدی، یاسر؛ فتاحی، علیرضا (۱۳۹۱)؛ «نابرابری‌های قومی و امنیت ملی»، *مجله مطالعات جامعه‌شناسی*، ۵(۱۵)، صص ۱۳۷-۱۲۱.
- یونسی، علی (۱۳۸۷)؛ «وحدت و انسجام ملی ایرانیان، بنیادها و ریشه‌ها»، *مجموعه مقالات همایش ملی تنوع فرهنگی، همبستگی ملی*، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- Bluhm. R & Thomsson. K, (2020); "Holding on? Ethnic divisions, political institutions and the duration of economic declines", *Journal of Development Economics*, Volume 144, May 2020, 102457.
- Brown, M. (1993); *ethnic and Conflict and International Securit*, New Jersey: Princeton university press.
- Cashmore. E, (1996); *Dictionary of Race and Ethnic Relations*, 4th edition, London 1Routledge6.
- Dunn, N. (2012); *Public Policy Analysis*, Fifth Edition, New Jersey: Pearson Prentice Hall.
- Galandini. S & Fieldhouse. E, (2019); "Discussants that mobilise: Ethnicity, political discussion networks and voter turnout in Britain", *Electoral Studies*, Volume 57, February 2019, Pages 163-173.
- Moore, Will, H, summer - fall (2002); "Ethnic Minorities and Foreign Policy", *SAIS Review*, VOL. XXII, NO. 2.
- Zhanarstanova. M. B & Nechayeva. E. L, (2016); "Contemporary Principles of Political Representation of Ethnic Groups", *Procedia Economics and Finance*, Volume 39, 2016, Pages 76-82.

